

واقعا برای اکثریت مردم ایران، چه فرقی دارد که جلیلی و یا پزشک‌یان رئیس جمهوری اسلامی ایران شود؟

bahram.rehmani@gmail.com

خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران هم، سرانجام صدای پای «انقلاب» را مانند محمدرضا شنید اما هم محمدرضا دیر شنید و هم خامنه‌ای و هم منتخبین ریاست جمهوری اسلامی. خامنه‌ای روز چهارشنبه ۱۳ تیرماه در نخستین واکنش خود به مشارکت ضعیف شهروندان ایرانی در دور اول انتخابات، ادعا کرد کسانی که در این دور رای ندادند «مخالف نظام» نیستند. ادعای مخصک و خنده‌دار!

خامنه‌ای ظهر روز چهارشنبه ۱۳ تیرماه، در دیدار تولیت جدید، مدیران و جمعی از اساتید مدرسه عالی شهید مطهری، میزان مشارکت در مرحله اول انتخابات را کم‌تر از حد توقع و خلاف پیش‌بینی‌ها خواند و گفت: این مسئله علی دارد که اهل سیاست و جامعه‌شناسان آن‌ها را بررسی می‌کنند.

او این ادعای کاذب را پیش کشید و گفت: «اگر کسی تصور کند این عده‌ای که رای ندادند به خاطر این بود که با نظام مخالف بودند، سخت در اشتباه است. این برداشت، این فهم صددرصد اشتباه است.»

میزان شرکت در انتخابات مختلف ایران از زمان اعتراضات دی ۹۶ به شدت سقوط کرده است، به طوری که در دور اول نمایش انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳، با جعل آمار و تقلب این میزان را به ۳۹/۹ درصد افزایش دادند با این وجود، پایین‌ترین رقم در تاریخ جمهوری اسلامی بوده است.

رهبر جمهوری اسلامی در ادامه توجیه خود در رابطه با عدم مشارکت اکثریت مردم در نمایش انتخاباتی‌شان، ادامه داد افرادی که در انتخابات شرکت نکردند را کسانی معرفی کرد که به گفته او «ممکن است از یک مسئول خوش‌شان نیاید» یا «یک تعداد افراد باشند که از اصل نظام خوش‌شان نیاید» و «مشکل دارد، گرفتاری دارد، کار دارد، حوصله ندارد، وقت نمی‌کند، انواع و اقسام موانع برای این کار وجود دارد.»

علی خامنه‌ای خواستار تفکیک بین دو این طیف‌ها شده و گفته که «این خیلی خطای بزرگی است. این خطا را نباید کسانی مرتکب بشوند.»

او تصریح کرد «در مرحله اول انتخابات مشارکت مردم کم‌تر از آن مقداری بود که توقع داشتیم و حدس زده می‌شد. حدس‌ها همه‌اش بیش‌تر از آن چیزی بود که در واقع اتفاق افتاد»، و خواستار آن شد «کسانی که اهل سیاستند، اهل مسائل نگاه جامعه‌شناسانه هستند»، مشارکت پایین در انتخابات را بررسی کنند.

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در ایران، روز جمعه ۱۵ تیر ۱۴۰۳-۵ ژوئیه ۲۰۲۴، برگزار می‌شود. به گواه آمار رسمی، در دور اول انتخابات ۶۰ درصد از افراد واجد شرایط پای صندوق‌های رای نرفتند. عدم مشارکت رای‌دهندگان، نارضایتی گسترده مردم را نشان می‌دهد که تاکنون به این شکل در تاریخ جمهوری اسلامی بی‌سابقه بوده است.



ستاد انتخابات وزارت کشور جمهوری اسلامی، صبح شنبه ۹ تیر اعلام کرد در مجموع ۲۴ میلیون و ۵۳۵ هزار ۱۸۳ نفر در رای گیری روز جمعه مشارکت کرده‌اند و از این تعداد یک میلیون و ۵۶ هزار و ۱۵۹ نفر (۴/۵ درصد) رای باطله داده‌اند.

به این ترتیب، با توجه به این که بر اساس آمار رسمی ۶۱ میلیون و ۴۵۲ هزار و ۳۲۱ نفر واجد شرایط رای دادن بودند، نرخ مشارکت در این انتخابات با در نظر گرفتن آرا باطله ۳۹/۹۲ درصد و بدون لحاظ کردن آرا باطله ۳۸/۲ درصد بود. اما بحث‌هایی در داخل ایران در جریان است که گفته می‌شود آرای ریخته شده به صندوق‌های رای سه برابر بالا برده‌اند.

روز جمعه، در ساعاتی که رای گیری در جریان بود، گزارش‌های میدانی، روایت شاهدان عینی و تصاویری که از حوزه‌های مختلف رای گیری در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها منتشر شد، نشان می‌داد برآورد ناظران از استقبال نکردن مردم از رای گیری، درست بوده است.

ساعت قانونی رای گیری ساعت ۶ عصر در ایران تمام شد و بنا بر یک خبر درز کرده غیررسمی دیگر از ستاد انتخابات کشور، میزان مشارکت تا این ساعت به ۱۲ میلیون (۱۹/۵۲ درصد واجدین شرایط) رسید.

محمود صادقی، نماینده پیشین مجلس، ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر در شبکه ایکس نوشت: او صبح حدود ساعت ۱۱ رای داده است و مشاهداتش نشان می‌دهد مشارکت بسیار پایین‌تر از حد انتظار بود.

امیررضا نظری، خبرنگار نزدیک به پزشک‌ها هم ساعت ۳ عصر به وقت ایران در شبکه ایکس نوشت: «در ستاد مرکزی دکتر پزشک‌ها هستیم. عدد مشارکت بر اساس آنچه از استان‌های مختلف به دست ما رسیده، چندان مطلوب نیست.»

مصطفی فقیهی، روزنامه‌نگار و مدیرمسئول سایت انتخاب، حدود ساعت ۵ روز جمعه در مطلبی در شبکه ایکس که اکنون پاک کرده است، نوشت: «۴ استان تهران، فارس، خوزستان و آذربایجان غربی، که پایگاه اصلی رای پزشک‌ها هستند تاکنون مشارکت ضعیفی در انتخابات داشته‌اند.»

سیدحمید حسینی، رییس اتاق بازرگانی ایران و عراق هم ساعت ۶ عصر در شبکه اجتماعی ایکس نوشت تا آن ساعت فقط ۱۲ میلیون نفر رای خود را به صندوق‌ها ریخته‌اند.

رای گیری ساعت ۶ به پایان نرسید و ساعت قانونی رای گیری در ادامه شب جمعه، سه بار و تا ساعت ۱۲ بامداد تمدید شد، تمدیدی که بنا بر قانونی ناگفته شامل حوزه‌های کوچک روستایی نمی‌شود و آن‌ها معمولاً در پایان وقت قانونی رای گیری بسته می‌شوند.

اما از ساعت ۶ به بعد، آمار غیررسمی درز کرده از سوی وزارت کشور، با شیب زیادی، سیر صعودی پیدا کرد. ساعت ۷ عصر، نخستین آمار درز کرده وزارت کشور نشان می‌داد جمع آرا اخذ شده به ۱۳ میلیون و ۷۴۰ هزار (۲۲/۳۴ درصد واجدین شرایط) رسیده است.

به این ترتیب با توجه به این که حوزه‌های روستایی بسته شده بودند، آمار تازه که مربوط به آرا اخذ شده در شهرهاست، به این معنی بود که در هر حوزه رای گیری شهری در این یک ساعت به‌طور میانگین بیش از ۵۰ نفر رای داده‌اند.

آمار غیررسمی درز کرده از وزارت کشور در ادامه شب شیب تندتری هم گرفت وقتی آمار غیررسمی بعدی در ساعت ۱۰ شب به وقت ایران بیرون آمد. در این ساعت، عدد درز کرده از وزارت کشور نشان می‌داد میزان آرا اخذ شده تا ساعت ۱۰ شب به ۲۲ میلیون و ۸۳۱ هزار رای (۳۷/۱۵ درصد واجدین شرایط) رسید.

به این ترتیب، ظاهراً در ۳ ساعت از ۷ تا ۱۰ شب در ۳۴ هزار و ۵۲۲ حوزه شهری، در مجموع ۹ میلیون و ۹۱ هزار رای اخذ شد. این یعنی این که در همه این حوزه‌ها در این سه ساعت به‌طور میانگین ۲۶۴ نفر (هر ساعت تقریباً ۸۸ نفر) رای داده‌اند.

با توجه به تصاویر رسیده از شمار متنوعی از حوزه‌های رای گیری در ایران و مشاهدات شاهدان عینی از خلوت بودن حوزه‌های رای گیری و حتی بسته شدن شمار از آنان در ساعاتی که رای گیری تمدید شد، این که در ۳ ساعت ۷ تا ۱۰ شب، هر ساعت ۸۸ نفر وارد حوزه‌های رای گیری شده باشند و با توجه به این که اخذ رای دست کم یک دقیقه وقت برده است، صفتی هم در شمار از این حوزه‌ها که تنها یک دستگاه احراز هویت داشته‌اند تشکیل شده باشد، با گزارش‌ها هیچ تناسبی ندارد و جای پرسش از احتمال دست‌کاری در میزان آرا و تامل جدی دارد.

در نهایت، دو ساعت بعد در ساعت ۲۴ بامداد و هم‌زمان با بسته‌شدن در حوزه‌ها، آمار تازه‌ای از وزارت کشور به بیرون درز کرد که رقم آرا اخذ شده را ۲۴ میلیون و ۳۲۳ هزار (۳۹/۵۸ درصد واجدین شرایط) اعلام می‌کرد، یعنی در دو ساعت پایانی رای‌گیری در هر حوزه به طور متوسط باید ۴۴ نفر (هر ساعت ۲۲ نفر) رای داده باشند.

به این ترتیب در دو مرحله، شمار رای‌دهندگان اعلامی به ترتیب نزدیک به ۱۵ درصد و سپس ۱۷ درصد افزایش یافت. وزارت کشور، صبح شنبه، میزان مشارکت را ۲۴ میلیون و ۵۳۵ هزار و ۱۸۵ نفر (۳۹/۹۲ درصد واجدین شرایط) اعلام کرد که با در نظر گرفتن گزارش‌ها و تصاویر رسیده از خلوت بودن حوزه‌های رای‌گیری در روز انتخابات، همخوانی ندارد و درستی آن مورد تردید جدی است.

این آمار، از جهتی دیگر هم توجه شماری از کاربران ایرانی را در شبکه‌های اجتماعی جلب کرد. آن‌ها می‌گویند هر پنج عدد اعلام شده برای آرا چهار کاندیدای انتخابات و آرا باطله، مضرب سه هستند، که از نظر آن‌ها می‌تواند به معنای سه برابر کردن میزان واقعی آرا باشد.

البته مهم هم نیست که جمهوری اسلامی آمارها را جعل می‌کند چون که در ایران هیچ‌گونه نظارت بی‌طرفی بر شمارش آرا وجود ندارد. بنابراین هر رقمی که حکومت دلش می‌خواهد اعلام می‌کند. در هر صورت حتی آمار حکوم را هم بپذیریم حدود ۶۰ درصد از مردم واجد شرایط در این رای‌گیری شرکت نکرده‌اند و این هشدار بزرگی به حکومت است.

نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و تایید صلاحیت کاندیداها بر عهده شورای نگهبان است. شورای نگهبان نقش اصلی در تایید یا رد صلاحیت کاندیداها ایفا می‌کند. نظارت شورای نگهبان بر انتخابات تحت عنوان نظارت استصوابی شناخته می‌شود که به معنای نظارت همه‌جانبه و تایید نهایی صلاحیت کاندیداها و صحت انتخابات است.

شورای نگهبان که اعضای ۱۲ نفره آن مستقیم و غیرمستقیم توسط «علی خامنه‌ای» تعیین می‌شوند، علاوه بر نظارت بر اجرای صحیح انتخابات، صلاحیت کاندیداها را براساس معیارهای قانونی و شریعت اسلامی بررسی می‌کند که هیچ ضابطه دقیقی ندارد و بیشتر به نظر اعضای این شورا و البته رای خامنه‌ای بستگی دارد. به‌طور مثال، صلاحیت «مصطفی پورمحمدی» که برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان در اسفند ۱۴۰۲ رد شد، کم‌تر از چهار ماه بعد در انتخابات ریاست جمهوری غیرمنتظره تایید شد.

در ایران، شورای نگهبان با اعمال نظارت استصوابی صلاحیت کاندیداها را تایید یا رد می‌کند. این بدان معناست که تنها کاندیداهایی که توسط شورای نگهبان تایید شده‌اند می‌توانند در انتخابات شرکت کنند. این فرآیند به محدود شدن گزینه‌های انتخابی برای رای‌دهندگان منجر شده؛ چنان‌که عملاً انتخابات را به معنای واقعی کلمه «انتصاب» افراد از سوی رهبر به واسطه شورای نگهبان تبدیل کرده است.

هرچند که مردم ایران در انتخابات شرکت می‌کنند و رای می‌دهند، اما تایید نهایی کاندیداها توسط شورای نگهبان و نظارت دقیق این شورا بر روند انتخابات، بر آزادی و صحت انتخابات تاثیرگذار است و نحوه رای‌گیری و شمارش آرا هم به‌شکل بسیار غیرشفاف و روندی پرابهام انجام می‌شود. پس از انتخابات و پیروزی نامزد نهایی، اگر علی خامنه‌ای حکم ریاست جمهوری او را تایید نکند، فرد پیروز قادر به اجرای مراسم تحلیف و آغاز دوره ریاست جمهوری خود نیست. یعنی حتی فردی که از میان گزینه‌های مورد رهبر از صندوق رای بیرون آمده، باز هم برای شروع کار نیازمند تایید اوست.

کاندیداها باید صلاحیت خود را توسط شورای نگهبان تایید کنند. پس از تایید صلاحیت، نامزدهای نهایی می‌توانند در انتخابات عمومی شرکت کنند. شورای نگهبان قادر است در هر مرحله از زمان برگزاری انتخابات، صلاحیت نامزد تایید شده را پس بگیرد و او را از گردونه انتخابات خارج کند.

رئیس‌جمهور در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، دومین مقام کشور است اما او، اختیاری از خود ندارد چرا که باید برای اجرای سیاست‌های کلان از رئیس‌بلادستی خود، یعنی رهبر اجازه بگیرد. مطابق قانون اساسی، رهبر قدرت مطلقه دارد و به همین اعتبار می‌تواند اختیارات رئیس‌جمهور را به‌شکل‌های مختلفی محدود و حتی او را در انجام وظایفش ناکام کند. چنان‌که «محمد خاتمی»، «محمود احمدی‌نژاد» و «حسن روحانی»، بارها از وضعیت خود صریحاً گلایه کردند و پس از مرگ رئیسی ویدیویی از او منتشر شد که در حال سخنرانی در هیات دولت درباره اختلافاتش با رهبری جمهوری اسلامی است.

مسعود پزشکیان و سعید جلیلی، دو نامزد راه‌یافته به مرحله دوم چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، شامگاه دوشنبه ۱۱ تیر در صداوسیما روبروی هم نشستند و با موضوع فرهنگ و سیاست با یکدیگر مناظره کردند.

در این مناظره که بخش پایانی آن به مشاجره دو طرف تبدیل شد، هر دو نامزد موردتایید جمهوری اسلامی از نگرانی حاکمیت بابت نرخ پایین مشارکت مردم پرده برداشتند و با وعده‌هایی در مورد سرعت اینترنت، مذاکره با کشورهای خارجی، به رسمیت شناختن حقوق اقشار مختلف مردم و حل مشکلات اقتصادی تلاش کردند رای بیش‌تری برای صندوق نظام جمع‌آوری کنند.

سعید جلیلی که طبق آمار رسمی وزارت کشور در دور اول انتخابات ۳۲ درصد رای آورد، بدون اشاره به تحریم انتخابات از سوی مردم مدعی شد که در جمهوری اسلامی مردم «تعیین‌کننده»‌اند.

این نامزد انتخابات ریاست جمهوری در ادامه کلی‌گویی‌های همیشگی گفت که باید به سمت «وضعیت مطلوب» پیش برویم اما توضیح نداد که برای رسیدن به این وضعیت چه برنامه‌ای دارد.

سعید جلیلی در بخش دیگری از سخنانش، ستاد مسعود پزشکیان و حامیانش را به «ترویج فضای کذب و خبرهای دروغ» متهم کرد و گفت که آن‌ها برای اداره کشور برنامه‌ای ندارند.

مسعود پزشکیان، نامزد موردتایید جریان اصلاحات در مناظره با سعید جلیلی چندین بار به نرخ پایین مشارکت مردم اذعان کرد. او به احتمال گران شدن بزرین در دولتش نیز واکنش نشان داد و مدعی شد که بزرین را بدون رضایت مردم گران نخواهد کرد، اما توضیح نداد که چگونه می‌تواند رضایت مردم را برای گران کردن بزرین کسب کند.

مسعود پزشکیان که از نظر مخالفان جمهوری اسلامی در این انتخابات نقش «سوپاپ اطمینان» حاکمیت را بازی می‌کند، در این مناظره نیز مانند مناظرات پیشین به نادیده گرفته شدن حقوق مردم در جمهوری اسلامی و شنیده نشدن صدای اعتراض‌شان اعتراف کرد و با بیان این‌که مشکل اصلی فقرا در ایران مسئولان جمهوری اسلامی‌اند نه آمریکا، اذعان کرد که مردم ایران «در جایی که باید، بازی داده نشده‌اند.»

دو نامزد مورد تایید جمهوری اسلامی در بخش دوم مناظره درباره موضوع‌هایی مانند فروش نفت، مذاکره و سیاست خارجی و اینترنت نیز صحبت کردند. سعید جلیلی بدون اشاره به محدودیت‌هایی که فیلترینگ برای مردم ایجاد کرده است، وعده داد که سرعت اینترنت در دولت آینده او بالا می‌رود اما درباره تقویت بهنای باند خارجی و لغو فیلترینگ چیزی نگفت.

دومین و آخرین مناظره مسعود پزشکیان و سعید جلیلی دو نامزد راه‌یافته به دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در شامگاه سه‌شنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۳ (۲ ژوئیه) از صداوسیما جمهوری اسلامی پخش شد.

سعید جلیلی، کاندیدای مشهور به «محافظه‌کار بنیادگرا» و مسعود پزشکیان نماینده «اصلاح‌طلبان» و به گفته خود «اصلاح‌طلب اصول‌گرا» است.

در دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری با وجود تبلیغات گسترده حکومت و دست‌کاری آمارهای رای‌دهندگان و تقلب، سرانجام اعلام کردند تنها حدود ۴۰ درصد از رای‌دهندگان پای صندوق‌های رای رفتند.

راستی‌آزمایی اطلاعات و داده‌های وزارت کشور به دلیل عدم حضور روزنامه‌نگاران و ناظران مستقل و هم‌چنین ناظران بین‌المللی دشوار است. اما طبق همین آمار، مشارکت رای‌دهندگان در دور نخست انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ در تاریخ ۴۵ ساله جمهوری اسلامی، بسیار کم بوده است.

سعید جلیلی رقیب خود پزشکیان را «ادامه دهنده راه دولت‌های رفسنجانی، خاتمی و روحانی» دانست. پزشکیان هم «دولت در سایه» جلیلی را به باد انتقاد گرفت و پرسید چرا جلیلی برنامه‌های دولت در سایه را در دوره ابراهیم رئیسی اجرا نکرد؟ مسعود پزشکیان در پاسخ به انتقادها به اظهار نظر او درباره این‌که قاسم سلیمانی «موی دماغ» برای آمریکا بوده، این بار گفت که قاسم سلیمانی «خار چشم دشمنان» بوده است.

پزشکیان در پایان مناظره به تحریم ۶۰ درصدی انتخابات هم اشاره کرد و گفت: «این‌که ۶۰ درصد مردم در دور اول پای صندوق نیامدند برای حکومت پیام دارد. من صدای این تردید و نارضایتی و قهر را شنیده بودم و باز هم می‌شنوم.»

سعید جلیلی که سال‌ها در راس هیأت مذاکره‌کنندگان برجام بود دیدگاه خود را تکرار کرد و گفت که ایران در برجام تعهدات خود را انجام داده است. او خطاب به پزشکیان گفت: «شما باید طلب‌کار باشید نه این‌که به ملت فشار بیاورید و بگویید که ملت کوتاه بیاید.»

جلیلی بدون اشاره به دولت محمود احمدی‌نژاد و نقش خود در مذاکرات برجام گفت: «دولت آقای هاشمی، خاتمی و روحانی دوستان شما بودند که در ستاد شما هستند و دوباره طلبکارید؛ شماها ۴۰ سال بر سر کار بودید.»

جلیلی در پایان مناظره پزشکیان را به بی‌اطلاعی متهم کرد و گفت در بسیاری از موضوعات اطلاعات کمی دارد و در برخی موضوعات اطلاعات ابتدایی و اولیه هم ندارد.

مسعود پزشکیان نیز با درپیش گرفتن سیاست دوگانه از یک سو به حاکمیت مجوز داد هر زمانی که «امنیت» ایجاب کرد، پلتفرم‌های پرکاربرد را فیلتر کند و از سوی دیگر خواستار رفع فیلترینگ شد. او در ادامه به بازار فروش فیلترشکن‌ها و دست‌های پنهان و پشت پرده آن اشاره کرد و گفت که بسیاری از مردم پس از فیلترینگ کسب‌وکارشان را از دست دادند و حالا بیش از اینترنت برای فیلترشکن پول می‌دهند.

مسعود پزشکیان در بخش دیگری از سخنانش به نبود رقابت در بازار داخلی اشاره کرد و گفت خودروپی که ۲۰ هزار دلار است، در داخل ایران ۱۰۰ هزار دلار می‌فروشند و مردم ایران مجبورند از خودروهای بی‌کیفیت ساخت داخل استفاده کنند.

پزشکیان درباره سیاست خارجی نیز گفت که با مذاکره برای رفع تحریم‌ها و پیوستن به اف‌ای‌تی‌اف موافق است. در مقابل، سعید جلیلی گفت که نظر او «پشیمان کردن» طرف‌های غربی در مسئله تحریم‌ها است. او همچنین ادعای «طلبکار بودن» جمهوری اسلامی در مسئله برجام را مطرح کرد و گفت نباید معطل ماند و باید با کشورهای دیگر ارتباط برقرار کرد.

پزشکیان به همسویی جریان‌های داخل حاکمیت با بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ در مخالفت با برجام اشاره کرد و گفت: «ما روزانه ۱۰ هزار میلیارد تومان ضرر می‌کنیم. در این وسط یک عده کاسب تحریم‌اند و می‌خورند و می‌برند.»

در بخش پایانی مناظره شامگاه دوشنبه، سعید جلیلی، طرف مقابل را به نداشتن برنامه و تجربه متهم کرد و مسعود پزشکیان نیز به دولت در سایه کنایه زد و گفت امکان ندارد کسی بیرون از یک سازمان و ساختار بتواند برای آن برنامه بنویسد.

درباره فروش نفت، نیز سعید جلیلی ادعای فروش دو میلیون بشکه در روز را تکرار کرد و در پاسخ مسعود پزشکیان گفت که جمهوری اسلامی به دلیل تحریم‌ها نفت را ارزان می‌فروشد و کشورهایمانند چین از پرداخت پول ایران امتناع می‌کنند.

پزشکیان به رشد نقدینگی در دوران ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی اشاره کرد و گفت: «ما به دلیل سوءمدیریت روزی چند میلیارد به کشور ضرر می‌زنیم.» این نامزد ریاست‌جمهوری درباره اینکه چه برنامه‌ای برای نجات ایران از سوءمدیریت دارد، توضیحی ندارد و پیوسته مدعی شد که از کارشناسان استفاده خواهد کرد.

او در بخشی دیگر از سخنانش تاکید کرد که با وضعیت موجود، امکان رشد هشت درصدی که دولت سیزدهم و سعید جلیلی مطرح کرده‌اند، وجود ندارد. هنگامی که سعید جلیلی مدعی شد می‌تواند رشد اقتصادی را به هشت درصد برساند، پزشک‌های خطاب به مردم گفت که حاضر است از انتخابات کنار برود اما چنانچه جلیلی نتوانست رشد اقتصادی را به هشت درصد برساند، او را «اعدام» کنند.

مسعود پزشکیان که خواستار اعدام سعید جلیلی در صورت محقق نشدن وعده رشد اقتصادی هشت درصدی شده بود، شامگاه سه‌شنبه ۱۲ تیر، در مناظره دوم و در مورد برنامه‌های اقتصادی سعید جلیلی گفت: اگر حرف‌های او دروغ نباشد من حاضرم محاکمه شوم و اگر حرف‌های او دروغ بود این آدم را محاکمه کنید.

پزشکیان، هم‌چنین هنگامی که سعید جلیلی او را «ادامه‌دهنده راه حسن روحانی» دانست، با لحنی تند این اظهارات جلیلی را «تهمت» قلمداد کرده و تاکید کرد: «من برای امام و مقام معظم رهبری کار کرده‌ام.»

در ادامه جنگ لفظی میان سعید جلیلی و مسعود پزشکیان، جلیلی با اشاره به حدیث‌خوانی مکرر پزشکیان گفت: احادیثی که پزشکیان می‌خواند را ائمه جماعت مساجد هم خوب می‌خوانند.

در پایان مناظره هم سعید جلیلی دو نامزد نهایی «سیرک انتخابات» در شرایطی که یکدیگر را به «خیانت، دروغ‌گویی، بی‌سوادی و بی‌عرضگی» متهم می‌کردند، همدیگر را در آغوش کشیدند و «حلالیت» طلبیدند!



برخی از تحلیل‌گران سیاسی احتمال می‌دهند بیش‌تر افرادی که در دور اول انتخابات ریاست جمهوری به محمدباقر قالیباف، دیگر کاندیدای اصول‌گرایان رای داده‌اند پس از حمایت او از سعید جلیلی در دور دوم، به این کاندیدای تندرو رای دهند.

در صورت درستی این احتمال، جلیلی ۵۹ ساله در موقعیت بالاتری در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری قرار خواهد گرفت. بر اساس اعلام ستاد انتخابات وزارت کشور ایران، از میان آرای شمارش‌شده در این دور از انتخابات، مسعود پزشکیان موفق به کسب ۱۰۴۱۵/۱۹۱ رای، سعید جلیلی ۹۴۷۳/۲۹۸ رای، محمدباقر قالیباف ۳۸۳/۳۴۰ رای و مصطفی پورمحمدی ۲۰۶/۳۹۷ رای شده‌اند.

از سویی، برخی منابع خبری در ایران خبر دادند که معاونت آموزش حوزه علمیه قم درس‌های هفته پیش رو را تعطیل اعلام کرده است.

در بنیانه این معاونت که توسط رسانه‌های داخلی ایران منتشر شده، آمده است: «با توجه به ضرورت نقش آفرینی طلاب و اساتید در دعوت مردم به مشارکت حداکثری در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری و مشارکت بیش‌تر در جهاد تبیین، کلیه دروس (...) تعطیل اعلام می‌شود.»

برخی رسانه‌ها هم‌چون وب‌سایت خبری «انتخاب» هدف از این اقدام را در راستای حضور روحانیون حوزه علمیه در روستاها به‌منظور تبلیغ برای سعید جلیلی ارزیابی کرده‌اند.

بر اساس گزارش این وب‌سایت، ستاد تبلیغاتی جلیلی، با ارسال گسترده پیامک برای روحانیون و طلبه‌ها از آن‌ها برای اعزام به روستاها، مساجد و مناطق مختلف کشور دعوت کرده‌اند.

با این وجود، هنوز هم تنور نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری داغ نشده است و از چهره‌های سرشناس اکثریت مردم ایران که به این نمایش جمهوری اسلامی «نه» بزرگ گفته‌اند باز برخی از چهره‌های سرشناس سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زندانیان سیاسی، باز هم به این «نه» بزرگ تاکید کرده‌اند.

اسماعیل بخشی، نماینده سابق کارگران شرکت هفت‌تپه گفته است:

«در روزهای گذشته کاندیداهای ریاست جمهوری، از آن‌جایی که هیچ نقطه‌ی درخشانی در کارنامه خود و جریان فکری‌شان ندارند و قیچانه تلاش دارند تا از نام و اعتبار هفت‌تپه و کارگران سرفرازش، برای فریب طبقه‌ی فرودستی که از آنان نه‌ی بزرگ شنیدند، سوءاستفاده کرده و مردم ناراضی را به پای صندوق‌های رای بکشانند.»

اول به نامزدها اعلام می‌کنیم دیگر آن روزگار گذشت که با پیشانی سوخته و یقه بسته ادای حامی مستضعفان را در بیاورید و با پوپولیسم بازی رای جمع کنید. نه به فریب، نه به پوپولیسم

دوم به مردم عزیز ایران اعلام می‌کنیم کارگران هفت تبه از هیچ شخص و جریانی حمایت نمی‌کنند و مانند همیشه صدایشان صدای مردم است و در کنار مردم مظلوم و شایسته‌ی ایران می‌مانیم.»

به دنبال تحریم گسترده و موفقیت‌آمیز انتخابات توسط مردم در چهاردهمین دوره ریاست جمهوری حکومت ایران، جمعی از مادران دادخواه کردستان گرد هم آمدند و اعلام کردند هرگز با قاتلان و دروغ‌گویان هم‌پیمان نخواهیم شد. به گزارش خبری آژانس کردپا؛ دایه مینا، مادر شهیر محمدی از جانب‌اختگان خیزش انقلابی ژن ژیان در بوکان، با انتشار یک عکس از مادران دادخواه در صفحه اینستاگرام خود نوشت؛ «برای خون پاک فرزندانمان حرمت قائلیم، به حرمت خون پاک فرزندانمان و دیگر فرزندان هرگز با قاتلان و دغل‌بازان و دروغ‌گویان هم‌پیمان نخواهیم شد.»

پیش‌تر مادران دادخواه کردستان با انتشار دو بیانیه، ضمن تحریم انتخابات از مردم خواستند انگشت در خون فرزندان‌شان نزنند. عکس منتشر شده مختص به مادر جان‌باختگان؛ شهیر محمدی، ابراهیم شریفی‌فر، هیمن آمان، امجد عنایتی، هیوا جان‌جان، هزار مام خسروی و میلاد معروفی است.

هم‌چنین گزارشات میدانی و ده‌ها منبع گردپا اعلام کرده‌اند، میزان مشارکت در تمامی مناطق کردستان حداکثر از ۵ درصد فراتر نرفته و در بین ۱ تا ۵ درصد به صورت متغیر در شهرها و روستاهای کردستان بوده است. این میزان مشارکت نیز مربوط به افراد حکومتی و افرادی است که به دلیل شغل، گزینش و شرایط خاص نهادهای مربوطه حکومت آن‌ها را مجبور به مشارکت کرده‌اند.

۹ زندانی زن سیاسی که خود را «زنان چپ محبوس در زندان اوین» خوانده‌اند، با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند: «بدیهی است که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکرده و نمی‌کنیم.»

این زندانیان سیاسی روز دوشنبه ۱۱ تیرماه با بیان این که دو نامزد این انتخابات «نماد پوسیدگی این رژیم فاشیستی هستند»، نوشته‌اند: «این قبیل انتخابات تلاشی است مذبوحانه برای نجات حکومتی مستاصل که دیگر مشروعیت خود را از دست داده است.»

با کشیده شدن انتخابات ریاست جمهوری ایران به دور دوم، مسعود پزشکیان و سعید جلیلی دو نامزدی که بیشترین آرا را در انتخابات روز جمعه کسب کردند، با یکدیگر رقابت خواهند کرد.

کاهش چشم‌گیر مشارکت در این دوره از انتخابات به یکی از داغ‌ترین موضوعات در شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان تبدیل شده و هواداران تحریم و مشارکت در انتخابات، از زاویه دید خود به تحلیل آن پرداخته‌اند.

این ۹ زندانی سیاسی محبوس در اوین در ادامه بیانیه خود آورده‌اند: «این انتخابات به مانند هر انتخابات دیگر در نظام‌های سرمایه‌داری به این معناست که تنها زمانی به مردم حق انتخاب داده می‌شود که از میان ستم‌گران یکی را انتخاب کنند تا برای چند سال دیگر نظم مستقر ارتجاعی را تداوم بخشند.»

آن‌ها در انتها یادآور شدند: «رهایی نه از طریق صندوق‌های رای بلکه فقط به دست خودمان و از طریق مبارزه آگاهانه علیه هر شکلی از استعمار، ستم و تبعیض میسر است.»

آنیسا اسداللهی، ریحانه انصاری‌نژاد، هستی امیری، گلرخ ایرایی، ناهید تقوی، ناهید خداجو، نسرین خضری‌جوادی، فرح نساجی و مریم یحیوی امضاکنندگان این بیانیه هستند.

ما زنان چپ محبوس در زندان اوین

بدیهی است که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکرده و نمی‌کنیم.

چرا که:

- این قبیل انتخابات تلاشی است مذبوحانه برای نجات حکومتی مستاصل که دیگر مشروعیت خود را از دست داده است.

- کاندیداهای انتخاباتی به مانند هر دوره دیگر نماد پوسیدگی این رژیم فاشیستی هستند.

- این انتخابات به مانند هر انتخابات دیگر در نظام‌های سرمایه‌داری به این معناست که تنها زمانی به مردم «حق انتخاب» داده می‌شود که از میان ستم‌گران یکی را «انتخاب» کنند تا برای چند سال دیگر نظم مستقر ارتجاعی را تداوم بخشند.

- ما معتقدیم رهایی نه از طریق صندوق‌های رای بلکه فقط به دست خودمان، و از طریق مبارزه آگاهانه علیه هر شکلی از استعمار، ستم و تبعیض میسر است.

آنیسا اسداللهی؛ ریحانه انصاری‌نژاد؛ هستی امیری؛ گلرخ ایرایی؛ ناهید تقوی؛ ناهید خداجو؛ نسرین خضری‌جوادی؛ فرح نساجی؛ مریم یحیوی

پیش از این علاوه بر نرگس محمدی، فعال حقوق بشر زندانی و برنده جایزه نوبل و گوهر عشقی، مادر دادخواه، مرگان ایلانلو، مستندساز حامی اعتراضات «زن زندگی آزادی» و سپیده رشنو مترجم زندانی، چهره‌ها و گروه‌های شناخته‌شده دیگری چون انجمن خانواده‌های دادخواه اعتراضات آبان ۹۸، مادران دادخواه کردستان و ... انتخابات را تحریم کرده بودند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای ضمن اشاره به «بی‌رغبتی» عمومی به انتخابات حکومتی در ایران، سوءاستفاده از نام این شورا توسط جناح‌های مختلف در جمهوری اسلامی را محکوم کرد.

در بیانیه این تشکل صنفی که سه‌شنبه ۵ تیر منتشر شد با اشاره به این که «فضای اجتماعی نشان از بی‌رغبتی مردم نسبت به حضور در انتخابات حکومتی دارد» در مورد نامزدهای تایید صلاحیت شده از سوی شورای نگهبان جمهوری اسلامی نوشت: «نگاهی به

مناظره‌های انتخاباتی، حاکی از این واقعیت‌اند که هیچ‌کدام از نامزدها هیچ برنامه‌ای برای مردم و معلمان ندارند و فقط کلی‌گویی می‌کنند.»

این تشکل با اشاره به «قیام‌های ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱» که در آن‌ها «مردم و خصوصاً زنان، جوانان، کودکان و فعالان حوزه‌های مختلف مورد تهدید، ضرب و شتم، تیر مستقیم، زندان و... قرار گرفتند» افزود که از این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که «چرا رغبتی به حضور در انتخابات وجود ندارد.»

این شورا در بیانیه خود با اعلام این موضوع که «در بخش آموزش و پرورش هیچ برنامه‌ای» از سوی نامزدهای انتخابات ارائه نمی‌شود، اضافه کرد: «تشکل‌های سیاسی وابسته که اسم فرهنگیان را یدک می‌کشند برای گرم کردن تنور انتخابات از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کنند.»

به نوشته این بیانیه، «تشکل‌های وابسته به اصلاح‌طلبان تنها بخش کوچکی از مطالبات معلمان را به اسم کاندیدای خود جا می‌زنند و هنوز به قدرت نرسیده، از نظام معلمی نام می‌برند که خود طلیعه تشکیل تشکل‌های حکومتی و سرکوب تشکل‌های صنفی مستقل است و به مطالبات واقعی معلمان نمی‌پردازند.» شورا در مورد «تشکل‌های سیاسی وابسته به اصول‌گرایان» هم نوشت که آن‌ها «با بی‌اخلاقی نام و لوگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران را جعل می‌کنند تا از آن سوءاستفاده نمایند و مسئولیت خود در به وجود آمدن شرایط بد موجود را نمی‌پذیرند.»

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در ادامه این بیانیه «مطالبات واقعی مردم و معلمان» را «اعتراض به نظام آموزشی ایدئولوژیک، اعتراض به کالایی شدن آموزش، مطالبه تشکلیابی مستقل، مطالبه حق تجمع و اعتراض، و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، ... آزادی معلمان زندانی، مطالبات معیشتی و منزلتی، بیمه کارآمد و مطالبات اجتماعی چون حق پوشش اختیاری و دفاع از حقوق زنان و کودکان» را از جمله مطالبات مطرح شده در سالیان اخیر «که همین امروز نیز در تجمعات خیابانی تکرار می‌شوند» عنوان کرده است.

شورا در پایان بیانیه خود نوشت: «ما سوءاستفاده از مطالبات صنفی برای گرم کردن تنور انتخابات و توهین به شعور فرهنگیان بازنشسته و شاغل و هم‌چنین جعل و سوءاستفاده از نام شورای هماهنگی برای مقاصد انتخاباتی از سوی جناح‌های سیاسی را به شدت محکوم می‌کنیم.»

علی کاکاوند، شاعر و عضو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران، در مطلبی تحت عنوان «نخبه‌ی «رای»، نخبه‌ی «بی‌رای»، نوشته است:

روی سخنم با نویسندگان و هنرمندان است. تصور این است نویسنده و هنرمند مدرن و پیشرو، به وقت اعتراض و جنبش مردم، سیاسی است، نه به وقت بازی انتخابات و رای‌گیری حاکمیت، دست کم اگر به وقت بازی حاکمیت سیاسی می‌شود به وقت اعتراض مردم و فریاد میدان و خیابان، سیاسی بودنش بسیار پررنگ‌تر است، چیزی که در ایران این سال‌ها غالباً بالعکس بوده است. اصلاً فضای رای‌گیری این حکومت، فضایی چندان سیاسی هم نیست و رای دادن و رای ندادن هم آنچنان کنش سیاسی محسوب نمی‌شود. اگر دوستی از من بپرسد رای می‌دهی مثلاً خواهم گفت: «نه، من را آااااا آه‌ه‌ه (ایشان در حال خمیازه کشیدن است)...» نه محکم می‌گویم رای نمی‌دهم، که انگار یک مبارز خستگی ناپذیر استوارم آنگونه که تنها کنش مهم بعضی افراد فقط این است که افتخار می‌کنند رای ندادند و نه برای رای دادن افراد هزار تهمت سر هم می‌کنم. آنچه در این سال‌ها از باب انتقاد نوشته‌ام هرگز موضوع رای دادن/ندادن نبوده است بلکه بیانیه دادن نویسندگان در دفاع از نامزدها بوده است که واقعا به آن اعتراض دارم. دوستان نویسنده و هنرمند!

این که در سال‌های اخیر بارها بیانیه‌هایی داده‌اید و گاهی امضا کرده‌اید که به فلانی رای می‌دهیم و حمایتش می‌کنیم معنایش این بوده که مردم بروید به او رای بدهید، گاهی بیانیه داده‌اید که این «انتخابات» را تحریم می‌کنیم گویی مردم نشستند تا شما زیادی «نخبه‌ها» برایشان تعیین تکلیف کنید؛ عجیب است که اکثراً به وقت اعتراض‌های مردم آزادیخواه، دیگر سیاسی نیستید.

نویسنده و هنرمند پیشرو و معاصر، نگاهش به مردم است، حرفش با مردم و میان مردم و گاهی از مردم است حتی اگر برخلاف اکثر آنان نظر بدهد. منظورم این نیست که پیرو مردم باشد، چه بسا خلاف جریان عموم حرکت کند، فکر کند و حرف بزند، چه بسا از سر خشم مردم را تحقیر هم بکند، همین هم یعنی با مردم و رو در روی مردم سخن گفتن. فکر نکنید شما فقط میراث‌دار فردوسی و حافظ و سعدی یا نیما و هدایت و ... هستید، تمام مردم بار این فرهنگ و هنر را بر دوش کشیده‌اند و به من و شما منتقل کرده‌اند. طوری از روی کار آمدن فلان شخصیت جمهوری اسلامی حرف می‌زنید که انگار مردم نشستند تا دیگران هر بلاپی خواستند بر ما و شما نازل کنند، الان که می‌بینید و می‌دانید این مردم دیگر تن به هر تحقیری نمی‌دهند و جنبش از پی جنبش رقم می‌زنند. امیدت باید به آن‌ها باشد نه فلان شخصیت حکومتی. این مردم هستند که تو را نجات می‌دهند، امیدوار یا ناامید می‌کنند، حتی مردمند که ممکن است تو را بدبخت کنند، چنان‌چه بعد از انقلاب، اکثراً با پیروی از خمینی، بدبخت کردند. من از انقلاب پنجاه و هفت دفاع می‌کنم اما از همدستی بخشی از نویسندگان و هنرمندان و عموم مردم با خمینی نه تنها دفاع نمی‌کنم که آن‌ها را متهم می‌کنم که در جنایت علیه دیگر مردم ایران، شریکند. دست کم الان و این سال، بازی، بازی حکومت است و نه مردم، نه آنکه رای داده همدست جنایت است و نه آنکه تحریمش می‌کند، یک مبارز است. این فضا، همه چیز را تقلیل می‌دهد، مردم به زودی جنبش‌های بزرگ‌تری رقم خواهند زد، آن‌گاه به هم بگوییم نویسنده‌ی مدعی مدرن کیست، خیابان چه تعریفی دارد، مملکت چیست، خون چه رنگی است و ده انگشت مشت شده مهم‌تر است یا انگشتی که فقط اشاره می‌کند.

علی کاکاوند - ۱۳ تیر ۱۴۰۳



اکنون دعوا و کشمکش بین دو جناح شکست‌خورده جمهوری اسلامی، یعنی جناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب و طرفداران ضعیف و عمدتاً پاسدار و حزب‌اللهی آن‌ها در داخل و خارج کشور بر سر این که جلیلی رئیس‌جمهور شود یا پزشکیان؛ یک دعوی واقعی است. دعوی واقعی آن‌ها نه بر سر بهبود جزئی وضع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی مردم، نه سرکوب و سانسور کم‌تر، نه بر سر آزادی پوشش زنان، نه بر سر آزادی زندانیان، نه بر سر اعدام کم‌تر، نه بر سر محیط زیست، نه بر سر حقوق پایمال‌شده مردم بلوچ، کرد، ترک، ترکمن، لر، عرب، افغان و غیره؛ بلکه اساساً بر سر تقسیم قدرت و ثروت‌های جامعه است. در چنین وضعیتی، واقعا برای اکثریت مردم ایران، چه فرقی دارد که جلیلی و یا پزشکیان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران شود؟

۴۵ سال از عمر نکتت‌بار جمهوری اسلامی می‌گذرد. در این ۴۵ سال، اکثریت مردم ایران، همواره مورد ظلم و ستم، سرکوب و سانسور قرار گرفته‌اند و جز سیه‌روزی، چیز دیگری نصیب این مردم نشده است. در حالی که مردم ایران در سال ۱۳۵۷، با امید و آرزوی رسیدن به یک دنیای آزاد و برابر و انسانی، حکومت دیکتاتوری پهلوی را سرنگون کردند اما هنوز هم این مردم در راه رسیدن به آزادی قربانی می‌دهند با وجود این همه وحشی‌گری جمهوری اسلامی و شرایط خطرناک، هرگز از مبارزه برحق خود دست برنداشته‌اند.

مدل «انتخابات» و «آزادی» در جمهوری اسلامی، ویژه خاص خود را دارد. یعنی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، فرمان و حتی اظهارنظر ساده «رهبر» بالاتر از هر قانون مدون و نهاد حاکمیت است. اما رهبر در مقابل هیچ مقامی و قانونی و نهادی جواب‌گو نیست جز خدا! حالا خدا کیست و کجاست خودش حدیث دیگری است! در هر صورت رهبر مصونیت کامل دارد. بنابراین، حتی مدل دیکتاتوری فردی نیز در قوانین جمهوری اسلامی، با سایر دیکتاتورهای دنیا فرق دارد و تافته جدا بافته‌ای است.

هر شهروند ایران آزاد است همه قوانین حکومت و در راس همه رهبر را بدون چون و چرا و حتی هیچ استواری بپذیرد؛ هر شهروند ایرانی آزاد است بدون مانع به نمایندگانی که رهبر و شورای نگهبان تعیین می‌کنند رای بدهد و... پس ایران نظام الهی و قوانین شریعتی خاص خود را دارد.

در ایران زن نمی‌تواند پوشش خود را خودش تعیین کند و باید رنگ و مدلی که حاکمیت دیکته می‌کند را بدون چون و چرا رعایت کند. برای کودکان نه ساله در مدارس ایران جشن تکلیف برگزار می‌کنند و به آن‌ها می‌گویند شما دیگر بالغ شده‌اند و می‌توانید ازدواج کنید اما اگر دست از پا خطا کنید مجرم شناخته می‌شوید؛ همین کودک حجاب اسلامی دیکته شده حکومت را رعایت نکنند مجرم شناخته می‌شود.

زن در ایران نمی‌تواند پوشش خود را انتخاب کند؛ نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود؛ نمی‌تواند بدون اجازه شوهر سفر کند و... زنان ایران موظفند بدون اعتراض از مردان تبعیت کنند و حق طلاق ندارند مگر این که از نظر پزشکی ثابت شود مرد بیماری خاصی دارد؛ زنان ایران موظفند بسیجی و حزب‌اللهی تربیت کنند و صندوق‌های رای جمهوری اسلامی را پر کنند.

به زنان توصیه می‌شود شوهرداری و بچه‌داری و خانه‌داری کنند و کارهای خارج از خانه را به مردان بسپارند.

اگر زنی با مردی رابطه خارج از ازدواج داشته باشد اگر گرفتار شود احتمال این که سنگسار گردد و کشته شود بسیار بالاست اما مردان مجازند چهار زن رسمی و بی‌نهایت صبیغه‌ای داشته باشند. به عبارت دیگر، ایران بهشت مردان خداست!

ناگفته نماند در ایران قشری وجود دارد که ملا، شیخ و یا روحانی نامیده می‌شوند. این قشر تافته جدا بافته‌ای هستند. آن‌ها قرن‌هاست که در ایران، هیچ کاریدی انجام نمی‌دهند اما از چندین منبع درآمد دارند: تا پایان حکومت پادشاهی در ایران، حقوق بگیر دربار بودند اما از سال ۱۳۵۷ که جمهوری اسلامی به رهبری خمینی به قدرت رسید تمام خزانه و منابع و ثروت‌های مملکت مستقیماً در دست دستگاه مخوف روحانیت است. منابع درآمد روحانیت: خزانه دولت، خرافه‌فروشی در مساجد با جمع‌آوری حق امام، خمس و ذکات و نذری مردم؛ خرافه‌فروشی؛ دعانویسی و... این قشر کارفرما و آقا بالاسر ندارد چون که خودش همه کاره است. آیت‌الله‌ها فتوای مرگ صادر می‌کنند. سلمان رشدی و ناشران و مترجمان کتاب «آیات شیطانی» او، قربانی همین فتوای آیت‌الله خمینی شدند؛ آن‌ها حکم شلاق صادر می‌کنند؛ حکم بریدن دست و پای دزدان درمانده را صادر می‌کنند؛ حکم سنگسار صادر می‌کنند؛ فتوای کشتن نویسندگان و هنرمندان را صادر می‌کنند؛ و...

البته روحانیت با وجدان آسوده به این همه جنایت دست می‌زنند چون که آن قوانین الهی و امامان و پیامبران را اجرا می‌کنند و در آن دنیایی که وعده می‌دهند خود بالانشین «بهشت» شان هستند و مخالف آن‌ها در آتش سوزان جهنم می‌سوزند و... آن‌ها به مردم می‌گویند اگر در این دنیا چیزی ندارید عوضش در آن دنیا، به بهشت خواهید رفت و همه چیز مفت و مجانی، حتی حوری و قلمان در اختیار شما قرار خواهد گرفت؛ اما خودشان در کاخ‌ها زندگی می‌کنند، با اسکورت و ماشین ضدگلوله حرکت می‌کنند و فرزندان‌شان در داخل و خارج کشور در ناز و نعمت می‌لوند!

هر چه در وصف اختیارات بی‌حد و مرز و نیازهای روحانیت در این دنیا و آن دنیا بگوییم باز هم کم گفته‌ایم.

نتیجه‌گیری

حکومتی که به هیچ‌وجه آزادی سازمان و احزاب سیاسی، آزادی جنبش‌های اجتماعی، آزادی اعتصاب و اجتماعات، آزادی بیان و اندیشه، آزادی‌های فردی و جمعی را به رسمیت نمی‌شناسد و فعالین این عرصه‌ها را دستگیر و زندانی و اعدام و یا ترور می‌کند؛ حکومتی با چنین ویژگی‌هایی، چگونه می‌تواند انتخابات برگزار کند؟ چنین حکومتی چگونه می‌تواند به آرای مردم احترام بگذارد؟ مهم‌ترین ویژگی دور اول این انتخابات، تحریم بزرگ و قاطع بیش از ۶۰ درصدی مردم ایران بود، نکته‌ای که هر دو نامزد راه یافته به دور دوم در اولین مناظره دوفره خود به آن اقرار کردند.

انتخابات آزاد با چندین ویژگی کلیدی مشخص می‌شود تا منصفانه، شفاف و منعکس‌کننده اراده واقعی مردم باشد. این ویژگی‌ها در هیچ‌یک از انتخابات گذشته تاریخ ایران دیده نشده؛ ویژگی‌هایی که تضمین می‌کنند انتخابات طوری برگزار شود که خواست مردم را منعکس کند و از اصول دموکراتیک تبعیت کند.

شورای نگهبان و در راس همه رهبری جمهوری اسلامی ایران، بر این تصور بودند که با تایید صلاحیت مسعود پزشکیان می‌توانند هم مردم ترک‌زبان و هم جناح اصلاح‌طلبان را به پای صندوق‌های رای مسخره خود بکشانند اما در این راه شکست خوردند. سران حکومت بر این باور بودند که حضور مسعود پزشکیان می‌تواند رای‌دهندگان ترک‌زبان را بیش‌تر از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ به پای صندوق‌های رای بیاورد در حالی که چنین باوری نقش بر آب شد و ترک‌ها اهمیتی به پزشکیان و تبلیغات پان‌ترکیستی حکومتیان ندادند.

نتایج انتخابات نشان داد که بخش بزرگی از شهروندان ترک ایران، هم‌زبانی را بهانه و یا توجیهی برای رای ندانسته‌اند. تنها جمعیت ۴ استان آذربایجان شرقی و غربی و هم‌چنین استان‌های اردبیل و زنجان ساکن هستند. جمعیت این چهار استان براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن انجام شده در سال ۱۳۹۵، برابر با ۹ میلیون و ۵۰۲ هزار و ۷۶۰ نفر است. در این انتخابات نزدیک به ۷ میلیون تن از آن‌ها واجد شرایط رای‌دادن بودند، اما آمارهای انتخاباتی نشان می‌دهد که با وجود کاندیدایی ترک، میزان مشارکت در این مناطق کاهش یافته است. به بیان دیگر، ترک بودن پزشکیان نتوانسته است بسیاری از افراد در این مناطق را به رای‌دهی متقاعد کند.

برخی از گرایشاتی که هویت ترک خود را برجسته می‌کنند و بر این تصورند که باید یک رییس‌جمهور ترک عنان ریاست‌جمهوری را به دست گیرد. آن‌ها مدعی هستند که چنین فردی می‌تواند برخی از مطالبات برجا مانده ترک‌ها را محقق کند.

درد شهروند ترک ایرانی با شهروندانی که کرد و عرب و لر و بلوچ و غیره هستند زیاد فرق نمی‌کند، تازه مصیبت یکی از دیگری عکس گفته خود به مرحله اجر در می‌آورد و اهمیتی هم به رای‌دهندگان و وعده‌های انتخاباتی خود نمی‌دهند. این پایین‌تری یک کار دیگر می‌کند، این‌ها دغدغه مردم ندارند. چرا بروم رای دهم؟

به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از عوامل گوناگون در عدم جلب مشارکت ترک‌ها تاثیرگذار بوده است. باوجود تاکید پزشکیان بر مطالبات مناطق اصطلاحاً «حاشیه‌ای» ایران در مناظرات، اهالی این مناطق از تبعیض‌ها و مشکلات پیچیده‌ای رنج می‌برند و بر این باورند که صرف تغییر رییس‌جمهور، پاسخی برای این مشکلات نخواهد داد. از سوی دیگر، همه مطالبات آن‌ها هویتی نیست و مسائل اقتصادی نیز برای آن‌ها از اهمیتی حیاتی برخوردار است. می‌توان گفت وعده‌های بهبود اقتصادی در میان کاندیداها نتوانسته است توجه آن‌ها را برای مشارکت جلب کند.

اصول‌گرایان ریزشی قابل‌توجه را از ۱۷-۱۶ میلیون رای در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ به ۱۲ میلیون رأی تجربه کردند، تازه اگر تمام رای‌دهندگان قالیباف را بتوان پایگاه سنتی اصول‌گرایان دانست. به‌علاوه، سقوط آرای قالیباف این نوید را می‌دهد که گفتارهای مهاجرستیز و افغانستیزی، دست‌کم تاکنون، توانایی جلب آرای عمومی مردم ایران را نداشته‌اند.

اما اصلاح‌طلبان شکست سختی خوردند؛ اولاً آن‌ها رای‌گیری را فرصتی دیده بودند تا به مدد تاکتیک همیشگی دوقطبی‌سازی، تعداد آرا را بالا ببرند و بر این تصور بودند که مهر بطلانی بر شعار «اصلاح‌طلب، اصول‌گرا دیگه تمومه ماجرا» بزنند.

مجموع نتایج انتخابات و نظرسنجی‌های مورد اشاره نشان می‌دهد که ماهیت جمهوری اسلامی به‌عنوان یک حاکمیت اقلیت، بیش‌تر از گذشته نمایان شده است. این ماهیت، اکنون نوع خاصی از حکومت فرقه‌ای سرکوبگر را و بی‌توجه به خواسته‌ها و نیازهای اکثریت مردم در مقابل همگان قرار داده است.

در هر صورت اقرار رهبر جمهوری اسلامی به مشارکت پایین در انتخابات، اتفاق بی‌سابقه است. او با وجود اذعان به این موضوع، در عین حال انواع و اقسام دلایل را برای کاهش مشارکت بیان کرد تا دلیل اصلی را پرده‌پوشی و توجیه کند. تنها تفاوت این بود که او این بار بر خلاف سابق از نقش «دشمن» در دل‌سرد کردن مردم سخن نگفت.

در حالی که چه پزشکیان چه جلیلی به ریاست جمهوری انتصاب شوند قرار نیست خواسته‌ها و مطالبات زنان، کارگران، زندانیان سیاسی، هنرمندان، نویسندگان و همه مردم آزاده را برآورده سازند بلکه رئیس‌جمهور موظف است در جهت تحکیم نظام و اجرای فرمان‌های «رهبر» مستبد و خشک‌مغز، معترضین را به شدت سرکوب کند تا پایه‌های حاکمیت بیش از این متزلزل‌تر از این نگردد.

از هم‌اکنون می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که جنبش‌های بزرگ‌تری به مراتب قدرتمندتر از جنبش زن، زندگی، آزادی» در پیش داریم و به‌نظر می‌رسد بخش چشم‌گیری از اکثریت مردم ایران و در پیشاپیش همه نیروهای جوان دختر و پسر آگاه و پرانرژی در این جنبش، حضور فعال‌تری داشته باشند.

پی‌تردید راه‌هایی قطعی مردم ایران از طریق انقلاب مردمی و سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی می‌گذرد نه از طریق صندوق‌های رای جعلی و تقلبی و دخالت نیروهای خارجی و جنگ احتمالی!

پنج‌شنبه چهاردهم تیر ۱۴۰۳ - چهارم یولی ۲۰۲۴